

# ایران



سخن‌روز

**پیامبر خدا صلی‌الله علیه و آله:**

سوگند به آن که جانم در دست اوست، حتی به حساب دو گوسفند که به یکدیگر شاخ زده باشند، رسیدگی خواهد شد.

(کنز‌العقال: ۳۹۰۴)

### نگاره

### رسانه‌های غربی



### فضای مجازی



درک می‌کنند.».



آینده با ضربات سنگین‌تری مواجه شوند.»



قرار بود از اول سال ۲۰۲۴ اعمال شود) آمد: توقف اجرای قانون حذف تیک‌تاک از اپ‌استورها به دلیل نقض متعمم اول قانون اساسی آمریکا.»



چیزها رو عمومی نکنی! هاان؟»



نویسندگان ایرانی.».



علاقه‌مند به سینما راهی شهرک سیممایی شدید. البته نمی‌دانستیم که آن روز آخرین روز فیلمبرداری جهان پهلوان تختی و در واقع آخرین روز کارگردانی مرحوم علی حاتمی خواهد بود. ما به روال معمول با عوامل فیلم شروع به گفت‌وگو کردیم از مجید میرفرخایی طراح صحنه و لباس و مرتضی و مصطفی شایسته تهیه‌کنندگان فیلم گرفته تا تورج منصوری مدیر فیلمبرداری و بازیگران و عوامل فنی و... اما به خود مرحوم حاتمی که رسیدیم، متوجه شدیم حاشش برای مصاحبه اصلاً خوب نیست ولی قول داد که به جای مصاحبه یادداشتی برایمان بنویسد. فردای آن روز که پیگیری‌یادداشت حاتمی شدیم دریافتیم همان شب حاشش بد شده و راهی بیمارستان گردیده اما قولی را که داده بود فراموش نکرد و از روی تخت بیمارستان برایمان یادداشت را نوشت که منشی صحنه فیلم (ناهدید طلوع) آن را از پشت تلفن برایم خواند و من هم نوشتم. گزارش یاد شده به همراه یادداشت علی حاتمی که در واقع آخرین نوشته او شد در شماره همان هفته مجله هفتگی سینما به چاپ رسید و چند روز بعد علی حاتمی به سفر ابدی‌اش رفت. «

**خبر خوب دعوت و کمک به معلولین برای زیارت امام رضا(ع)**
زینب حسنی، فعال رسانه‌ای درتویترش نوشت: «بین خبرهایی که چند روز پیش می‌خواندم، دعوت و کمک به معلولین برای زیارت امام رضا(ع) خیلی برام دل‌انگیز بود. آدم‌هایی که دل هاشون صاف تره واحتمالاً به‌خاطر شرایطشون جزو اقبالشون کم درآمد هستند با کمک آستان قدس به پابوس امام رفوف رفتند... حس و حال خوشبونو

ببینید، توی عکس با آدم حرف میزنه.»

- **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- **سردبیر:** حسام‌الدین برومند
- **معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- **دبیران:** مصطفی‌عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- زرین رستمی‌وند (اجتماعی)

- بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری‌اندیشه) «محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم) « فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرزاد(اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی(عکس)

### نقل قول



ایوبذر صرابیفرزند امیرخلبان محمود صرابی

## پسرم را برای ایران به حضرت عباس بخشیدم

پدرم برایم تعریف کرد که روز شهادت عباس بابایی به پایگاه تبریزرفته بود. کارها را کرده بود که آزریر وضعیت اضطراری را زدند و گفتند یک هواپیمای دارد می‌آید و گلوله خورده است. پدر رفته بود و کاناپی را بالا زده بود. گلوله را دیده بود که کتف و گردن شهید بابایی را زده بود. می‌گفت آنجا برای اولین‌و آخرین بار آقای بابایی را دیده‌ام است. چون وقتی او از اسفهان به‌عنوانت عملیات نیروی هوایی آمد، پدرم به چین رفت. بعد هم به ستاد مشترک رفت و با نیروی هوایی ارتباط نداشت. پیگر بابایی را غرق درخون آوردند. آنجا کفن کردند و همان‌جا به تهران منتقلش کردند. با همان هواپیمایی که بنا بود پدرم را به تهران برساند. وقتی به تهران رسیدند، گفتند پدر شهید بابایی گفته می‌خواهد پسرش را ببیند. پدرم روی کفن را کنار می‌زند و فیلم‌کات می‌خورد. از آنجا به بعد که در فیلم نیست، پدر شهید بابایی می‌گوید می‌شود پایش را هم باز کنید. با انجام این کار، او انگشت‌های پای شهید را به چشمش کشید و گفت «من به عشق حضرت عباس(ع) اسمش را عباس گذاشته‌بودم. او را برای ایران به خودش (حضرت عباس) دادم.» گریه هم نکرد. این را گفت و رفت. ولی به جهلم یا سال‌ها شهید بابایی نکشیده، ایشان فوت کرد.

| بخشی از گفت‌وگوی مهر با ایوبذر صرابی فرزند امیرخلبان محمود صرابی

## یادداشت

## چرا یورگن هابرماس از اسرائیل حمایت کرد؟

مدرنیته یک مقوله یهودی بود که در قالب جنگ جهانی اول آشکار شد. با جنگ جهانی مدرنیسم شکست خورد و زمانی که آثار جنگ جهانی اول آشکار شد، یهودی‌ها در آلمان تصمیم گرفتند این مدرنیته و مدرنیسم را نقد کنند. در واقع دست پیش را گرفتند تا پانس نینتند. بنابراین مکتب تضاد، در قالب فلسفه یهودی به وجود آمد و به «حلقه فرانکفورت» معروف شد. با جنگ جهانی دوم اوضاع اینها خراب شد و به آمریکا و سوئیس مهاجرت کردند و در آلمان نماندند. هابرماس در آن زمان جوانی ۲۰ساله است که الان ۹۵سال سن دارد. اثرات مباحث هولوکاست و دادگاه نورتبرگ در افکار هابرماس جدی است و در واقع وجود او یا مفهومی به نام هولوکاست آمیخته شده و فلسفه‌اش هم همین است. هابرماس فلسفه‌ای بین فلسفه تحلیلی و فلسفه آلمانی ایجاد می‌کند.

بعد از جنگ جهانی دوم بحران مدرنیته به طور کامل آشکار شد. جالب اینجاست که این مدرنیته هم در یک بمب یهودی اتمی منفجر شد که حالا فیلمش را هم ساخته‌اند و تلاش می‌کنند اونپنهام‌یهودی را از آن میرا کنند. بمب اتمی، بمبی یهودی بود که بر شرق معنایی - یعنی ژاپن - ریخته شد! همان ژاپنی که با پدیدارشناسی پیوند خورده است.

جنگ جهانی اول و دوم تمام می‌شود و آمریکا در پساجنگ در Golden Time (زمان طلایی) از ۱۹۴۵، مرعج و الگو می‌شود و به جای پیشرفت، توسعه امریکایی مطرح است. در دهه ۶۰است که مارکسیسم اروپایی بازتولید می‌شود که ضدیت با جنگ ویتنام مشخصه آن است، نکته مهم این است که یکباره آن مارکسیسم متفکرانه عمیق دوره قبل از جنگ جهانی اول و دوم در اروپا، غریزه جنسی محور می‌شود. مارکسیسم قبلی اقتصادمحور و گرسنگی‌محور بود ولی اینجا تبدیل به مارکسیسم غریزه جنسی‌محور می‌شود.

**ظهور نظریه کنش ارتباطی هابرماس**

غریزه اقتصادی و غریزه گرسنگی یک غریزه ضدارتباطی است. غریزه جنسی است که غریزه ارتباطی هم است. ایک فروم و هربرت مارکوزه وارد مقوله‌ای شدند که از دل آن بحث‌های هابرماس به‌وجود آمد. هابرماس که آخرین بازمانده فرانکفورتی هاست بر اساس همین مارکسیسم جنسی، نظریه کنش ارتباطی‌اش را به‌وجود آورد. غریزه جنسی، غریزه ارتباطی انسان است که کنش ارتباطی هابرماس روی همین به‌وجود آمد.

دقیقا بعد از قصه نهضت‌های دانشجویی مه ۶۸ که ژان پل سارتر هم به‌عنوان یک فیلسوف اگزیستانس در جریان آن حضور داشت، هابرماس وارد این مقوله می‌شود. همزمان، انقلاب ایران هم در حال رخ دادن است. هابرماس از «منطق علوم اجتماعی» در ۱۹۶۷ به ۱۹۸۲ منتقل می‌شود که «نظریه کنش ارتباطی»اش را شکل می‌دهد.

بنابراین به یکباره از یک کشور کاتولیکی که منطق مسیحی فلسفه در قالب ژان پل سارتر آشکار می‌شود (فلسفه یهودی بازتولید می‌شود). سارتر در سال‌های پایانی عمرش که بنیالی‌اش را هم از دست داده بود، کاتولیک مذهبی شدیدی شد که آن را به شدت مخفی کردند. مثل اواخر عمر نیچه

و ماکس شلر و انیشتین که این بازه‌ها را هم مخفی کردند چرا که ضد فلسفه یهودی شدند. مواردی که مثال زدم را الان فقط به‌عنوان اسناد نگه می‌دارند. بحث‌های آخر عمر انیشتین، نیچه وشلر بحث‌های عینی است. ژان پل سارتر هم همین‌طور است. ۷سال آخر عمر او را هم به شدت مخفی نگه داشتند و در فوتش یک تشییع جنازه مفصل برگزار کردند. سارتر یک منطق مسیحی بر اساس سوزه‌محوری اگزیستانسیالیستی منشعب از پدیدارشناسی هایدری بود که ذیل نهضت‌های مسیحی تعریف می‌شود. این‌طور نیست که هایدرگ همین‌طوری به نهضت مسیحی کاتولیسیم هیتلری پیوسته باشد. هایدرگ به کمک حکومت کاتولیسیتی هیتلری می‌رود که یک آدمی است که گیاهوار است، سیگار نمی‌کشد، مشروب نمی‌خورد و در یک کلام یک کاتولیسیت جدی است. پیش‌زمینه نظری پیوستن او، پدیدارشناسی است که خودش و هوسرل دارند. هوسرل هم با اینکه یهودی است ولی فلسفه مسیحی را در قالب «پدیدارشناسی سوم» بسط می‌دهد. یک پدیدارشناسی کانتی داریم، یک پدیدارشناسی هلگی داریم و یک پدیدارشناسی هوسرلی داریم. هر وقت پدیدارشناسی را نگاه کنید در ابتدا فلسفه مسیحی و بعد از آن بازتولید فلسفه یهودی است. ابتدا بحث‌های فراتر از فلسفه و فرافلسفه است که کسی را ندیدیم که توسط هوسرل یهودی از فرهنگ ما در ایران شکوفایی فلسفی نداریم چون همه روایت‌های تقریری است.

**هابرماس و پوپر و بازتولید تئوری مدرنیسم یهودی**

فلسفه یهود، فلسفه اقتصادی است و خیلی با دنیای ارتباطی همراه نیست و این باید با مسیحیت بازتولید می‌شود. دقیقاً مثل خود رنسانس که یهود در آن علیه مسیحیت وارد شد و خود را با تفسیرانجیل بر مبنای تورات بر غرب حاکم کرد. این قصه دوباره باید رخ می‌داد و می‌بینیم که بست مدرنیسم هم توسط یک یهودی مثل دریدا در قالب یک فلسفه مسیحی و در فرانسه‌ای شکل می‌گیرد که مرکز کاتولیسیم و مسیحیت است. مثل پدیدارشناسی که توسط هوسرل یهودی از فرهنگ مسیحیت درست می‌شود و نتیجه‌ان می‌شود هایدرگ مسیحی.

این نکته مهمی است. بنابراین نظریه هابرماس یک فلسفه یهودی مدرنیسم و مدرنیته‌گرا برای یهودی ساختن فرایندهای جدید است. در دوم خرداد هم هابرماس به ایران آمد. این نکته ساد‌های نیست که دوم خرداد هابرماس را آوردند. به یاد دارم آقای منوچهر آشتیانی گفت به من گفتند بیا و مترجم ایشان شوا! گفتم در شأن من نیست مترجم یک آدم خودفروخته باشم. خود من نیز زمانی که در هامبورگ آلمان سخنرانی کردم گفتم ایشان خودفروخته به اتکلساکسون‌هاست و فلسفه پدیدارشناسی مسیحی را دوباره منحرف کرده است.

بنابراین یهودی ساختن فرایند جدید توسط هابرماس و از آن طرف پوپر در فلسفه تحلیلی اتفاق افتاد. پوپر هم عرفان یهودی کابالیسم را بر اساس ترکیب یک نوع دیالکتیک منفی و پوزیتیویسم بازتولید می‌کند که می‌شود «ابطال‌پذیری» که در آن هیچ چیزی اثبات نمی‌شود و فقط نفی می‌شود.

- **تلفن:** ۰۸۸۷۶۱۷۲۰نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پیامک:** ۰۳۰۰۴۵۱۳۳روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۳۳۸۸۰۵۳۳۸۰ • **امور مشترکین:** ۰۸۸۷۴۸۸۰
- **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارند‌ه گواهینامه اینو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۰۸۸۷۲۱۱۸۷۲ (۰۲۱)
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۰۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



دریاب کردن چیزهای گذر خواهد بود وین حال به صورتی دگر خواهد بود گر خود همه خلق زیردستان تواند دست ملک الموت زیر خواهد بود

**سعدی**

### یادداشت



محمداحسان مفیدی‌کیا منتقد سیمای مستند

حقیقت این است که...

## یادداشت اول ؛یک پرتزه خونین

حقیقت این است که این روزها، دوباره و با شتاب، کار بار بزرگ‌ترین رویداد فیلم مستند ایران، جشنواره «سینما حقیقت»، رونق می‌گیرد و هر چه بیشتر به روز بازشگشایی نزدیک می‌شویم، اخبار فیلم‌ها و رویدادها بیشتر به گوش می‌رسند، پوسترها رونمایی می‌شوند، تهیه‌کنندگان و کارگردانان کارهایشان را ارائه می‌دهند و تماشاگران برای دیدن مستندها روزشماری می‌کنند. مستندبازها اما، دنبال پنجره‌های نزدیک‌تری به آتازند، آنها پیش از جشنواره در پی نشانگانی از مستندهای خاص و خوبند تا نوبت اکران که رسید، دستشان برای انتخاب باز باشد. از همین رو نگارنده در یادداشت‌های پیش‌رو قصد دارم، در معرفی آثار راه‌یافته به هفدهمین جشنواره «سینما حقیقت» قلم بزنم، بلکه به مخاطبان در رسیدن به سلاقیشان کمک کرده باشد.

از بخت خوش، اولین فیلمی که امسال دیدم «قوی‌دل» ساخته ارزشمند علی فراهانی صدر بود. مستندی گیرا، خوش‌ساخت و مساله‌دار که مایه‌های پرتزه و مستند اجتماعی را همزمان داشت. در آغاز، احمد قویدل از خودش می‌گوید، اینکه چطور بالیده و چه کرده و که را به همسری گرفته، حتی تا همینجا که سکانس‌های طولانی معرفی شخصیت محوری اثر باشد، کار دلنشین است. کمی چاشنی طنز در کنش و میزانشن نماهای بازسازی شده، نوبد یک پرتزه آرام را می‌دهد تا اینکه مساله اصلی رخ ننماید و تکه غمبار ماجرا روایت شود.

از اینجا، به یکباره رنگ خون بر نماها می‌نشیند، یک جنایت تمام‌عیار رخ داده است، فاجعه‌ای انسانی و فراموش نشدنی که زمان زیادی از آن نگذشته.

سوزه اصلی مستند که به کار عکاسی هم مشغول بوده و ذهن کاوشگرش از گذشته با اوست، این بار به سبب ابتلای فردنشد به یک بیماری خونی، که از راه فرآورده اوره وارد بدنش شده، سرخی را به دست می‌گیرد که با دنبال کردنش به جماعتی چندصد نفره می‌رسد که همه درد مشترک دارند.

حالا کار به یک مستند تام‌توشام اجتماعی بدل می‌شود، فیلمی درباره یک ششکاش قطنی‌با ناستیساتی که نمی‌خواهند بار گناهی که مرتکب شده‌اند را به دوش کسند و خون بی‌گناهی‌کی باعث زنج و مرگشان شده‌اند را گردن بگیرند.

«قوی‌دل»، تمام مشخصات یک مستند ایده‌آل را دارد، همه چیز در آن به‌فاجده است، سوزهای اصلی و فرعی به‌غایت همراهند و خوب به کار گرفته شده‌اند و آرشوی توانسته احساس مردمی که دردی به دردهایشان افزوده شده را خوب منتقل کند. از تسلط کارگردان مستند همین بس که خط پرتزه‌ای را که آغاز کرده بود با رسیدن مساله تراژیک‌رها نکرده و همچنان به احمد که حالا نقش شاکلی و وکیل مدافع پرونده را هم‌زمان بازی می‌کند، آقندر که باید و شاید می‌پردازد. اگر چنین بود، با یک کار دوباره مواجه می‌شدیم که دو کار مستقل می‌نمود.

در فرود پایان کار، باز برمی‌گردیم به احمد عکاس، با همان جعبه تاریکی که بیان آغاز کرده بود و قفسی که در سینه حبس مانده بود را با او همراه بیرون می‌دهیم و بر همت بلند او غبطه می‌خوریم که آنچه به عهده داشت را به نیکی به انجام رساند. اگر امسال میهمان جشنواره بودید، «قوی‌دل» ساخته علی فراهانی صدر را حتماً در فهرست خود جای دهید و ۹۰ دقیقه جذاب را بر پرتزه تماشا کنید.



## کمی چاشنی طنز در کنش

### ومیزانشن

## بازسازی

### شده، نوبد

### یک پرتزه آرام

### را می‌دهد تا

### اینکه مساله

### اصلی رخ

### بنماید و تکه

### غمبار ماجرا

### روایت شود



مراسم تشییع شهیدان راه قدس پناه ثقی زاده و محمد علی عطایی

با حضور پرشور مردم در مسجد

پیامبراعظم (ص)

شهرک شهید

محلاتی برگزار شد.

## عکس

عکس:مهر